

ماهنامه

مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

نامه کمیته مرکزی حزب توده ایران

به دبیرکل کمیته مرکزی حزب توده ایران

لئونید ایلیچ برژنف



را که نتیجه کوشش خستگی ناپذیر شما برای پیشرفت امر صلح جهانی و در راه اجرای سیاست لنینی صاحب و همزیستی است که پیگیرانه از طرف حزب کمونیست و دولت اتحاد جماهیر شوروی س.ا. لیان در از دست تعقیب میشود، بشما از صمیم قلب شاد باش میگوید. نام شما با برنامه صلح مصوب کنگره ۲۴ حزب کمونیست اتحاد شوروی، برنامه ای که از جهت سرشت خود انقلابی و هدف آن تأمین تعرض موفقیت آمیز نیروهای صلح و خاتمه دادن بدوران تاریک جنگ سرد است، بیوند نزدیک دارد. نقش شخص شما در اجرای موفقیت آمیز این برنامه بزرگ مورد تأیید عمومی است. ما اطمینان داریم که تعرض صلح کشورهای سوسیالیستی کامیابهای بزرگتری را در آینده بدست خواهد آورد و موفق خواهد شد اجاقهای تجاوز کاری امپریالیستی را خاموش کند و سیاست امنیت

رفیق و دوست بسیار عزیز و محترم!
کمیته مرکزی حزب توده ایران از تصمیم کمیته ج.ا. نژلنینی بین المللی «تجدیک صلح میان ملل» دایره اعطاء جائزه لنینی بشما با شادی و خرسندی آگاه شد و این پاداش شایسته

جمعی را در اروپا و آسیا پیروز گرداند. پیروزی این مشی بسود همه خلقهای جهان و از آنجمله خلق کشور ماست. برای شما لئونید ایلیچ عزیز سالهای دراز سلامت و کار خلاقه بسود صلح و سوسیالیسم را آرزو مندیم. کمیته مرکزی حزب توده ایران ایرج اسکندری

شاه در نقش ارسطوی دوران

در میان قشر های روشنفکر، فقدان آزادی های سیاسی و اجتماعی در کشور است. آنها برای مقابله با این نارضائی، هر روز دست به اقدامات تازه ای میزنند ولی چون این اقدامات فاقد محتوی جدی است، نه تنها نارضائی مردم کاهش نمی یابد، بلکه افزون میشود.

«اجتماع دانش گاهیان و اندیشمندان» از مظاهر این اقدامات است. شاه در این اجتماع قیافه رجلی را بخود میگیرد که قصد دارد بقدر رفاه و سعادت کشور، دموکراسی را احیاء و توده های مردم، بخصوص روشنفکران را در تنظیم سرنوشت خویش شریک سازد. تمام اظهارات مفصل شاه حول این محور گردش میکنند. شاه در اظهارات خود حکو- منتهای موجود در جهان را به چند گروه تقسیم میکند. در مورد ایران میگوید: «... در دنباله در صفحه ۲

اخیراً در تهران اجتماعی از «دانشگاه هیان و اندیشمندان» تشکیل شد. وظیفه آن این بود که «انقلاب شاه و ملت» را بررسی کند و نتیجه بررسی خود را گزارش نماید. پس از این جلسه، ۲۸ گروه سمیناری تشکیل گردید و دانش گاهیان وظیفه داشتند در درون این گروهها در باره باصطلاح «انقلاب شاه و مردم» اظهار نظر کنند. پیداست که هدف از این اقدام، هم متعهد کردن روشنفکران است در مقابل رژیم و هم تقویت عقاید آنها. چون نتایج این بررسی در دست نیست، طبعا نمیتواند مورد بحث باشد، ولی اظهارات شاه در برابر شرکت کنندگان در این جلسه حاوی نکاتی است که باید به آن جواب داد. مقدمتاً باید متذکر شد که مدتی است مقامات حاکمه و در رأس آنها شخص شاه از نارضائی مردم نگرانند. آنها بخوبی میدانند که یکی از دلائل مهم این نارضائی، بخصوص

مردم ایران سیاست ماجراجویانه دولت را

در منطقه خلیج و عمان محکوم میکنند

(اظهاریه هیئت اجرائیه کمیته مرکزی حزب توده ایران)

و انگلیس و برای اجرای نقش ژاندارم در خاور میانه است و برخلاف ادعاهای پر سرو صدای سخنگویان رژیم ابداء و اصلاح کوچک ترین زیبطی با منافع اصلی میهن ما و دفاع از آن ندارد. این خط مشی نه فقط حادثه جوانانه بلکه عمیقاً ارتجاعی و ضد خلقی است و هدف آن حفظ رژیمهای قرون وسطائی و محافل ارتجاعی منطقه در مقابل جنبش خلقها و مخالفت با هر گونه تحول دموکراتیک در منطقه و حفظ و تشدید مشی اختناق و استبداد در داخل کشور است. این خط مشی روابط ما را با کشورهای عربی، با هندوستان، و با محافل مترقی کشور همسایه ما پاکستان وارد مرحله بحران آمیز تازه ای میکند و ما را در مقابل خلقهای این کشور قرار میدهد. این خط مشی عمیقاً و صریحاً با منافع و مصالح مردم ایران در تضاد است و لذا بشدت از طرف مردم محکوم و رد میشود.

سیاست مداخله آمیز هیئت حاکمه در مورد عمان، کویت و پاکستان تنها يك اعلام دنباله در صفحه ۲

شاه در مصاحبه با سولتس برگر، روز نامه نگار امریکائی و نخست وزیر امیرعباس هویدا در مصاحبات خود در لندن و سپس در تهران اعلام داشتند که دولت ایران بسطان قابوس پادشاه عمان برای سرکوب جنبش انقلابی ظفار کمک نظامی میکند و برای مداخله در امور کویت و پاکستان نیز آماده است. نکته جالب آنست که شاه در مصاحبه با سولتس برگر حتی تا آنجا پیش رفت که از امکان اشغال بلوچستان یا گستان از طرف ایران سخن گفت و امیر عباس هویدا پس از آنکه ابتدا تعقیب سیاست مداخله در عمان را از طرف دولت ایران ضمن يك مصاحبه صریحاً تکذیب کرد، آنرا پس از دو روز با سن صراحت تأیید نمود.

واقعیات ذکر شده یکبار دیگر نشان میدهد که هیئت حاکمه ایران در جاده ماجرا- جوئی سیاسی که از مدتی پیش در آن گام گذاشته با گستاخی کامل پیش میرود. خط مشی حادثه جوانانه دولت ایران ناشی از تعهدات این کشور در مقابل امیرالبسم امریکا

سیاست ارتجاعی هیئت حاکمه ایران

در مسئله ملی

(بمناسبت انتشار سند هیئت اجرائیه در مسئله ملی)

هیئت حاکمه ایران به پیروی از روش شویستی خود منکر وجود مسئله ملی در ایران است و هر گونه مطالبه در چارچوب حقوق ملی را با تجزیه طلبی یکسان جلوه گر میسازد و به بهانه دفاع از تمامیت ارضی ایران این نوع مطالبات را مورد تعقیب و سرکوب خشن قرار میدهد. دعوی هیئت حاکمه آن است که در سر زمین ایران تنوع ملی دنباله در صفحه ۳

در این شماره يك سند مهم مصوب هیئت اجرائیه کمیته مرکزی حزب توده ایران تحت عنوان «نکات گرهي در باره مسئله ملی و راه حل آن از نظر حزب توده ایران» منتشر شده است. این سند که بر پایه برنامه حزب و بر اساس توصیه یلنوم چهاردهم کمیته مرکزی تنظیم گردیده، بر خورد علمی و اصولی حزب ما را نسبت به این مسئله مهم و بزرگ اجتماعی نشان میدهد.

در راه برلین

(در باره دهمین فستیوال جهانی جوانان)

از آن تاریخ که در شبلی (در سپتامبر ۱۹۷۱) هیئت اجراییه فدراسیون جهانی جوانان دمکرات سال ۱۹۷۳ را «سال فستیوال» اعلام کرد، و گفته شد که جوانان جمهوری دمو- کراتیک آلمان آماده اند که میزبان دهمین فستیوال جوانان و دانشجویان باشند، فصل تازه ای در مبارزه جوانان جهان آغاز گشت. فستیوال یکی از وسیعترین اشکال فعالیت جنبش جهانی جوانان، و از رویدادهای مهم سیاسی جوانان جهان است. مبارزه علیه امپریالیسم و نو استعمار و بیکار علیه رژیمهای استبدادی و ارتجاعی، در نبرد بغاظر صلح و استقلال واقعی و دمکراسی و ترقی بیش از پیش استوار میسازد. دنباله در صفحه ۳

مردم ایران سیاست ماجراجویانه دولت را در خلیج و عمان محکوم میکنند

ساده در لفظ نیست، بلکه مدتهاست بصورت عمل در آمده است. هم اکنون صدها نظامی ایرانی در ارتش سلطان قابوس تحت فرماندهی یک ژنرال انگلیسی و بر علیه جنبش انقلابی ظفار فعالیت دارند، دهها میلیون دلار ثروت کشور ما در پای این شاهزاده قرون وسطائی متمرکز ریخته شده است. دولت ایران در روابط ما بین کویت و عراق تحریک میکند، دولت ایران در امور داخلی پاکستان بسود ارتجاعی ترین محافل این کشور و علیه عادی شدن روابط این کشور با هند و بنگاله دشمنانه مداخله میورزد. دولت ایران بر ضد جمهوری دموکراتیک یمن جنوبی نیز به تحریکات متعددی دست میزند. مشی ماجراجویانه دولت ایران در سیاست خارجی، در خلیج فارس، در دریای عمان و اقیانوس هند، دنباله منطقی سیاست داخلی ارتجاعی رژیم و منعکس کننده خواستههای تجاوز گرانه و توسعه طلبانه مرتجع ترین محافل طبقات حاکمه کشور است. این مشی اگر بموقع متوقف نشود و ادامه یابد کشور را با مشکلات گوناگون روبرو خواهد ساخت. شاه از تبدیل ایران به «سرزمین سوخته»، از ایجاد یک ویتنام دیگر در منطقه سخن میگوید و بدینسان آشکار میکند که مسیر سیاست او یکجا می انجامد.

مردم ایران نمیتوانند در قبال این مشی هیئت حاکمه که کشور را بسوی یرتگاه میرد ولی میکوشد ماهیت واقعی آنرا در پرده عوامفریبیها و لفاظیهای پر زرق و برق مستور نگاه دارد، ساکت یا لاقید بمانند، زیرا اگر از سیاستهای ضد ملی و ماجراجویانه در منطقه جلوگیری نشود، عواقب آن دامنگیر همه مردم خواهد شد. سیاست کنونی دولت ایران صلح را در منطقه خاور میانه و اقیانوس هند بخطر میاندازد و در جهت عکس جریان پیشرفت مشی همزیستی و امنیت جمعی در صحنه جهانی و وصله ناجوری در مجموعه این سیاست است.

شرایط جهانی برای مبارزه با این نوع سیاستهای کوتاه بینانه و حادثه جویانه بیش از پیش مساعد است. مشی های حادثه جویانه و ارتجاعی و ضد صلح از آن نوع که وان تیوها و موشه دایان ها دنبال میکنند دورنمایی ندارند. مبارزه مردم میتواند هیئت حاکمه را که تحت تأثیر یک سلسله انگیزه های منفی و ضد ملی و ضد خلقی در این جناده گام گذارده است به تغییر روش خود وادار سازد. هیئت حاکمه از طرفی از صلح و امنیت آسیا دم میزند ولی عملش نقطه مقابل آنست. منافع واقعی کشور ما که حزب توده ایران همیشه با سرسختی و پیگیری از آن دفاع کرده است میطلبد که نظامیان کشور ما از عمان فرا خوانده شوند، به رژیم ارتجاعی قابوس کمک نشود، به خواست مطروحه از طرف همسایه غربی ما عراق در باره حل اختلافات از طریق مذاکره پاسخ مثبت داده شود، در امور پاکستان مداخله انجام نگیرد، روابط دوستی با جمهوری هند تحکیم شود،

جمهوری بنگلادش برسمیت شناخته شود، از سیاست دیوانه وار تسلیحاتی و ائتلاف جنون آمیز میلیارد ها ثروت کشور برای تأمین سود سوداگران مرگ و خرید جنگ افزار ها خود داری بعمل آید و ایران تعهدی بمثابه ژاندارم منافع نفتخواران امپریالیستی بگردن نگیرد و از مبارزه عادلانه اعراب علیه امپریالیسم و صهیونیسم دفاع جدی، وسیع و صمیمانه بعمل آید. باید در راه خروج ایران از میان سنتو و قرار داد دو جانبه با آمریکا، در راه اتخاذ یک سیاست عدم تعهد و بیطرفی مثبت از جانب ایران که بهترین شیوه اجراء یک مشی مستقلانه است مبارزه کرد. این وظیفه همه قشر های مردم ایران است که بدفاع از صلح و همزیستی خلفهای منطقه برخیزند و از مصالح واقعی ملی ما بشایستگی دفاع کنند.

هیئت اجرائیه کمیته مرکزی

حزب توده ایران

۱۲ اردیبهشت ماه ۱۳۵۲

پس از انتشار اظهاریه فوق، فاکتهای جدیدی که مؤید احکام این اظهاریه است نشان داد که شاه و رژیم او تا چه حد در جاده بی سرانجام نظامیگری به پیش رانده اند. از آنجمله شاه در مصاحبه با روزنامه فرانسوی «لوپوان» (که ۲۴ اردیبهشت ماه سال جاری از رادیوی تهران پخش شد) و در مصاحبه با یکی از سردبیران مجله امریکائی «نیوز ویک» موسوم به آرنو دوپورج گریو در کاخ نیاوران (که در شماره ۲۴ مه این مجله انتشار یافته) و نیز در سخنرانیهای رسمی خود بهنگام سفر اخیر ذوالفقار علی بهوتو به تهران (در ۲۲ اردیبهشت ماه ۱۳۵۲) دعای خود را برای اجراء نقش ژاندارم منطقه، دشمنی خود را با جنبشها و دولتهای مترقی منطقه، پیوند خود را با نقشه های استرا - تریک امپریالیستهای آمریکا و انگلیس در منطقه بی برده ساخت. هفته نامه نیوز ویک بمناسبت مصاحبه با شاه واقیبات تازه ای را در باره ساختمان پایگاه یکمیلیارد دلاری در چاه بهار، پایگاه ۲۰۰ میلیون دلاری در بندر عباس، اعزام صد ها افسر ایرانی برای تعلیم به اسرائیل، حفاظت ناوگان نظامی ایران از فتنه کشهای اسرائیل افشا نمود. این واقیبات همراه با خرید یک میلیارد و نیم لیره اسلحه از طرف عربستان سعودی از انگلستان و خریدهای کلان اسلحه از جانب کویت و ابوظبی و عمان نشان میدهد که کشور های تولید کننده نفت باید باج خود را به خداوندان اسلحه پردازند و نقش ژاندارم و درخیم را بسود منافع آنها در سرزمینهای خویش ایفاء کنند. ایران در اجراء این نقش بی افتخار جای اول را دارد! در این مشی سیاسی شاه که نقطه مقابل سیر موفقت آمیز صلح در جهان است، حسابهای موزیان ارتجاعی، ماجراجوی و دن کشوتیسم هر یک سهم براننده ای دارد.

شاه در نقش ارسطوی دوران

مملکت ایران البته دیکتاتوری حزبی نیست. تقسیم بندی دو حزبی و آش و پلو به آن معنی که در جاهای دیگر هست نیست. در جای دیگر نطق خود وجود دیکتاتوری نظامی را در کشور نیز نفی میکند. ولی در هیچ جا کوشش نمیکند که رژیم موجود ایران را تعریف کند. اظهارات او در این زمینه، مبهم مغشوش و فاقد محتوی است.

شاه سعی میکند که خودش را از رژیم جدا کند، خودش را مافوق دولت، مافوق ملت و مافوق قوانین و مؤسسات موجود قرار دهد. به مستمعین خود میگوید که شما حق دارید «اظهار نظر سالم» بکنید، ولی در آخرین مرحله حق اتخاذ تصمیم با من است. این من هستم که باید تصمیم بگیرم کدام پیشنهاد صحیح است، کدام پیشنهاد غلط است، چه باید کرد و چه نباید کرد. این ملخص اظهارات شاه است. این اظهارات نشان میدهد که در کشور ما نه تنها آزادی وجود ندارد، بلکه رژیم کنونی و شخص شاه بهیچ وجه قصد ندارند که در جهت تغییر وضع قدم بردارند.

یکی از دلایل مهم فقدان آزادی در کشور ما، وجود افرادی است که خود را تابع هیچ قانونی نمیدانند، بلکه قانون را منبعث از خویش میبشمرند. شخص شاه در رأس آنان قرار دارد. منطق این افراد منطق ضد آزادی است. در هر جا که همین منطق حکومت کند، در آنجا آزادی وجود ندارد. جامعه ایران در مرحله کنونی تکامل خود، جامعه ای بفرنج و ذو جوانب است. رشد متناسب و منظم این جامعه مستلزم تکرر تمام افراد جامعه و همکاریهای فعال آنانست. هر مرجع و مقامی که خود را مافوق افراد جامعه قرار دهد و خود را داور افکار و اعمال آنها شمرد، سد راه پیشرفت جامعه است.

کشور ما، طبق قانون اساسی، یک کشور مشروطه است. شاه طبق قانون اساسی حقوق و در عین حال وظایفی دارد. ولی او بهیچوجه قصد ندارد که به این واقیبات اذعان کند. در تمام نطقها و اظهارات او حتی نامی هم از قانون اساسی نیست. حتی سخنی هم از قوانینی که روابط او را با سایر ارگانهای دولتی تنظیم میکنند، وجود ندارد. او حق مسلم خود میبشرد که هر کار میخواهد بکند، هر چه میخواهد بگوید، و دیگران فقط در چارچوب منافع و تمایلات او از این حقوق برخوردارند.

بگذریم از بحث حقوقی درباره حقوق شاه در یک کشور مشروطه - مهمتر از همه آنست که آیا این دستگاه جبر و فشار را میتوان برای مدت نامحدودی برپا نگاهداشت؟ آیا تضادی که میان رشد سریع نیرو های مولده در کشور ما و دستگاه بوروکراتیک دیکتاتوری سلطنتی وجود دارد، با خیمه شب بازیهای از قبیل «اجتماع دانشگاهیان و اندیشمندان» قابل رفع است؟ با اعتقاد ما این

تضاد باین شکل قابل رفع نیست. جامعه ما نیازمند یک سلسله تغییرات بنیادی و از جمله در جهت احیاء بسط آزادیهای دموکراتیک است. این نیاز عاجل جامعه ماست. خودشاه هم این مطلب را درک میکند، ولی نه میخواهد و نه میتواند که در راه ارضاء این نیاز قدم بردارد. زیرا اولین قدم در این راه بازگشت به اصول قانون اساسی و تجدید قدرت نامحدود دربار سلطنتی است.

شاه ابراز تعجب میکند که هزارها جوان ایرانی از بازگشت بوطن خود سر باز میزنند. ولی جای تعجب نیست. بسیاری از این جوانان، در همانحال که برای خدمت به وطن، حتی در شرایط بسیار دشوار آماده اند، حاضر نیستند به محیطی باز گردند که در آن تمام قدرت و اختیار دولتی در دست فرد واحدی است، حاضر نیستند به محیطی باز گردند که در آن قانون حکومت نمیکند، قانون اساسی برسمیت شناخته نمیشود و حقوق افراد ملغیه هوس سازمان امنیت است.

شاه در نطق خود انبوهی از مسائل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را مطرح کرده است که در اینجا جای بحث در باره آنها نیست. این خود نشانه ای از استبداد اوست. دوران ما، دوران تخصصی شدن علوم است، دورانی نیست که بکنفر بتواند هم اقتصاددان باشد، هم فیلسوف باشد، هم جامعه شناس باشد، هم کارشناس نظامی باشد. دوران ما دوران ارسطو نیست. اگر کسی بخواهد چنین نقشی را به عهده گیرد، باید فقط به سخافت فکر او خندید. ما مطمئین بسیاری از دانشگهایان و اندیشمندانمان که مستمع اظهارات شاه بوده اند در این باره با ما هم عقیده اند، و ما همچنین مطمئینیم که تا آب از سر چشمه گل آلود استیضاحی در راه بسط دموکراسی واقعی در کشور ما برداشته نخواهد شد.

رامین

رادیویک ایران را

بشنوید!

رادیویک ایران همه روزه از ساعت ۶ تا ۷ و ۵۰ دقیقه بعد از ظهر بوقت تهران بر روی امواج کوتاه ردیف ۲۵، ۲۶ و ۳۱ متر بزرگهای کردی، آذربایجانی و فارسی برنامه پخش میکند. عین همین برنامه از ساعت ۷ و ۵۰ دقیقه تا ساعت ۹ و ۴۰ دقیقه بعد از ظهر بوقت تهران مجدداً تکرار میگردد. رادیویک ایران را بشنوید و شنیدن آنرا به دوستان و آشنایان خود توصیه کنید.

شماره حساب بانکی یک ایران، ماهنامه مردم، مجله دنیا، مجله مسائل بین المللی و مجله پیکار بشر زیر است:

Sweden
Stockholm
Stockholms Sparbank
N: 0 400 126 50
Dr. John Takman

دنباله از صفحه ۱

در راه برلین

(در باره دهمین فستیوال جهانی جوانان)

جوانان در جریان فستیوال امکان خواهند داشت تا در جلسات کنفرانسها و سمینارها، در دیدار با نمایندگان دیگر کشورها، در باشگاههای بحث نظریات خویش را مطرح سازند، تبادل تجربه نمایند و همبستگی و پشتیبانی جوانان جهان را نسبت به مشکلات خود جلب کنند.

بنا بابتکار «فدراسیون جهانی جوانان دمکرات» و «اتحادیه بین المللی دانشجویان» نخستین جلسه «کمیته بین المللی تدارک» در ژانویه سال ۱۹۷۲ در شهر صوفیه تشکیل شد و این کمیته کار تدارک فستیوال را بدست گرفت.

این کمیته در دومین جلسه خود (اوت ۱۹۷۲) در برلین کمیسیونی را انتخاب نمود که در برلین با همکاری جوانان آلمان فعالیت جوانان چهار کشور در امر تدارک فستیوال و شرکت در فستیوال هماهنگ سازند.

بعواضات این فعالیت جهانی در تمام کشورها تلاش برای تشکیل کمیته های ملی، برای برگزاری فستیوالهای ملی، برای جلب هرچه بیشتر جوانان در کار تدارک فستیوال و بالاخره انتخاب بهترین نمایندگان جوان برای شرکت در فستیوال آغاز شد.

در کشور های سوسیالیستی جوانان تدارک فستیوال را با اقبال آردن میزان تولید، با قبول کارهای پر مسئولیت، با اجرای تعهد های فردی و جمعی آغاز نمودند. در نیامی که گک. یانایف رئیس کمیته تدارک فستیوال شوروی به ارگان فستیوال فرستاده از جمله گفته میشود که جوانان شوروی با نو آوری در تولید، هنر و ادبیات، با نبل به حد

نصابی بیشتر در ورزش خود را برای شرکت در بوال آماده میکنند. بابتکار جوانان کارگر، شرکت در کار تولیدی در وقت آزاد و فرستادن وجوه گرد آمده بحساب بانکی فستیوال جهانی به یک فعالیت وسیع نموده ای تبدیل شد. جوانان میگویند بگذار این کمک ما بجوانان جهان یاری دهد تا بتوانند در برلین گرد آیند و پیمان خود را در مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع، برای آزادی و صلح و دوستی تجدید نمایند.

در ۲۴ ژوئن روز جوانان شوروی نتایج مسابقات تولیدی و هنری و ورزشی اعلام خواهند شد و بهترین نمایندگان جوانان شوروی بدریافت بلیط سفر برلین ناگل خواهند آمد. این دختران و پسران یکبار دیگر بنام جوانان شوروی به جوانان مبارز جهان اطمینان خواهند داد که مانند همیشه از مبارزه و یکبار حق طلبانه آنان پشتیبانی خواهند کرد.

جوانان جمهوری دمکراتیک آلمان که میزبانان فستیوال هستند کار تدارک را بیک امر گسترده و عمیق مبدل کرده اند. امروز در هیچ نقطه ای از این جمهوری نیست که گوشه ای از این فعالیت نمودار نگردد. هر جوان آلمانی در کارخانه، دانشگاه، مزرعه

و مدرسه تعهد خاصی بعهده گرفته است. نسل جوان آلمان دمکراتیک با افزایش و بهسازی تولید، با نوسازی دهات و شهرها، با فرا گرفتن بهتر دانش و هنر پیروزی دهمین فستیوال را تأمین میکنند. در ماه مه ۱۹۷۳، وقتیکه جوانان سراسر جمهوری در برلین دیداری داشتند، جوانان هر شهرستان بخشی از پایتخت را برای پذیرائی مهمانانی که از چهار گوشه جهان میبند آماده کردند، عده ای گل سرخ کاشتند، گروهی فضای سبز اطراف منازل را تازه تر نمودند و برخی در ورزشگاهها بکار پرداختند.

در بلغارستان بلیط سفر به برلین به جوانانی داده میشود که در مسابقات تولیدی و هنری پیروز شوند و ماه ژوئیه به ماه اوج مسابقات و انتخاب پیروزمندان بدل خواهد شد.

جوانان وینام بهترین رزمندگان خود را در جبهه های جنگ و فعالترین جوانان در کار ساختمانی را که سرزمین ویران شده خود را آباد میکنند به برلین خواهند فرستاد.

در کشورهای سرمایه داری کار تدارک، مبارزه در راه عمیقتر و وسیعتر نمودن اتحاد جوانان علیه انحصارها و مبارزه در راه بدست آوردن حقوق خاص جوانان تبدیل شده است. از آنجمله در فرانسه جوانان کار تدارک را به تشدید مبارزه در راه جبهه توده ای علیه انحصارها و در راه ایجاد تغییرات بنیادی در جامعه توأم ساخته اند.

در ایتالیا جوانان مشغول فرا گرفتن زبان آلمانی شده اند و در دانمارک نشریه فستیوال در ۵ هزار نسخه بفروش میرسد و در برلین غربی تا شروع فستیوال صد هزار مارک برای ساختمان بیمارستان نگوئن وان ترا در هانوی جمع آوری خواهد شد.

در کشورهای عربی برای شرکت در فستیوال و بردن شعار های آن بین جوانان، ابتکارات گوناگونی انجام میگردد و این فعالیت با مبارزه علیه اشغالگران اسرائیلی و امپریالیسم، علیه استبداد و حکومت های استبدادی همراه شده است. جوانان عراق در این فعالیت موفق شده اند هزار دلار نیز برای کمک به ساختمان بیمارستان نگون وان ترا در هانوی جمع آوری نمایند.

جوانان شوروی و هند و بنگلادش در هند دیداری خواهند کرد و بهترین هنرمندان شرکت کننده در برنامه هنری این دیدار را به برلین خواهند فرستاد.

جوانان کشورهای استبدادی و ارتجاعی و عقب مانده که از فعالیت علنی برای ایجاد سازمانهای خود، برای دفاع آشکار از حقوق خاص خود محرومند و حتی امکان این را ندارند که آشکارا برای شرکت در فستیوال صلح و دوستی تلاش کنند، از جمله جوانان کشور ما، از راههای گوناگون برگزاری فستیوال را تدارک می بینند و در حدود نیروی خویش میکوشند تا پیروزی آن را تأمین کنند. این پیروزی بیشک تأمین خواهد شد و برای دهمین بار جوانان جهان از هم دیدار خواهند کرد، بحث خواهند کرد، سرود خواهند خواند. آنها یکبار دیگر

دنباله از صفحه ۱

سیاست ارتجاعی هیئت حاکمه ایران در مسئله ملی

نیست و هیچ زبانی غیر از فارسی وجود ندارد و همه ساکنان ایران دارای «نژاد» واحد و «خون» یکسان هستند. روش هیئت حاکمه نسبت به مطالبات ملی مردم آذربایجان و کردستان ایران، برخورد خشن هیئت حاکمه به مطالبات ملی بلوچها و عربهای ایران از همین اصول غلط و ارتجاعی ناشی میشود. چه جنایاتی که رژیم ایران از این بابت مرتکب شده است!

در شرایط کنونی که مسئله مبارزات و مطالبات ملی در ایران و منطقه حدت میباید،

رژیم ایران بمنظور تقویت ارتجاعی ترین نیروها، سیاست سالوسانه متضادی را اعمال میکند: از طرفی برای تضعیف حکومت مرکزی ضد امپریالیستی در عراق به تشدید اختلاف بین این حکومت و جنبش رهایی بخش ملی کرد های عراق میپردازد و با کلیه وسائل سعی دارد تا بافته انگیزیه های مختلف بدست عمال خود، در جریان اجراء موافقتنامه دولت مرکزی عراق و جنبش ملی کردستان عراق، خرابکاری کند. ولی از طرف دیگر برای سرکوب مردم بلوچستان یا کستان، خود را مدافع دولت مرکزی یا کستان نشان میدهد و تقلا میکند تا دولت ذوالفقار علی بهوتو را بویژه علیه رهبران بلوچ تحریک نماید.

حزب ما در مقابل این سیاست ارتجاعی و تحریک آمیز سیاست روشن و انقلابی و انسانی خود را که عمیقاً میهن پرستانه است و به وحدت ملی همه ملل و اقوام و اقلیتهای ملی ساکن کشور ما کمک میکند، قرار میدهد و به اتهام خنده آور «تجزیه طلبی» هیئت حاکمه که خود مدتهاست با اعمال ستم طبقاتی و ملی بزرگترین تجزیه ها و تفرقه های معنوی را در جامعه ما ایجاد کرده است با بی اعتنائی می نگرد.

حزب توده ایران تنها نیروی جدی سیاسی جامعه بود که از همان آغاز پیدایش خود مسئله ملی را بدرستی مطرح کرد و کماکان از این جهت پیگیر ترین، و اقدم بنانه ترین برنامه را که انترناسیونالیسم را با میهن پرستی، دفاع از تمامیت ارضی میهن واحد ما ایران

نیز در این شهر سرود خواننده و رقصیدانان ولی آن ایام دوران فستیوال سوم بود (سال ۱۹۵۳)، هنوز ویرانه های جنگ روزهای دشوار نبرد علیه فاشیسم را بخاطر می آورد، اما سرود دهمین فستیوال در کشوری است شکوفان، در خانواده اردو گاهی نیرومند، پیروز و خوشبخت، این سرود در شهری است زیبا و مدرن و میهمان نواز، شهری سوسیا لیستی که هر شرکت کننده را مجذوب خود خواهد ساخت و خاطره آن بر جای خواهد ماند. و برای همین است که جوانان و دانشجویان جهان در پیامهای خود میگویند: بامید دیدار در برلین پایتخت جمهوری دمو کراتیک آلمان!

از طرح برنامه حزب توده ایران

مبارزه برای نبل به حقوق و آزادیهای دموکراتیک مصرح در قانون اساسی ایران و اعلامیه جهانی حقوق بشر خواست عمومی طبقات زحمتکش و قشر های وسیع مردم ایران است که از سیاست ضد دموکراتیک رژیم رنج میبرند.

کوشش در راه تجمع، تشکل و اتحاد توده ها پیرامون شعار های مشخص اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بسیج کننده و منفرد کردن هر چه بیشتر نیرو های ارتجاعی و هوا دار امپریالیسم در کشور ما، شیوه اصلی برای نبل به هدفهای مبارزه است.

در شرایط کنونی شعار های مشخص ما علیه مواضع امپریالیستی عبارتست از: مبارزه با غارتگری سرمایه انحصاری خارجی و اعمال نفوذ سیاسی و نظامی دولتهای امپریالیستی؛ مبارزه برای عقیم ساختن اقداماتی که بمنظور رخنه دادن ایدئولوژی امپریالیستی و سیاست نو استعماری وی انجام میگردد.

حزب توده ایران راه رشد سرمایه داری را در شرایط کنونی تاریخی، راه درست و سالم پیشرفت اقتصادی و اجتماعی ایران نمیشورد، زیرا این راه رشد، استثمار سرمایه داری را جانشین انواع کهنه بهره کشی میسازد.

را با دفاع از حق خودمختاری اقوام و ملل ساکن سرزمین ایران پیوند میدهد و برابر حقوقی همه شهروندان ایرانی را اعم از تعلق ملی آنان، تأمین میکند، عرضه میدارد.

بر اساس این برنامه حزب ما نه تنها با شونیسیم عظمت طلبانه که سیاست رژیم در مسئله ملی مظهر آن است مبارزه میکند، بلکه دعای ناسیونالیسم محلی را که منجر به تفرقه جنبش انقلابی بر پایه اختلاف ملی و تمایلات تجزیه طلبانه میشود نیز طرد میکند.

در سنده منتشره اهمیت وحدت سازمانی و رهبری کلیه سازمانهای حزب طبقه کارگر در کشور کثیر الملله ایران، اهمیت حفظ تمامیت ارضی و وحدت میهن مشترک همه اقوام و ملل و اقلیتهای ملی ساکن ایران تصریح شده است. حزب ما این رهنمودها را در عمل سیاسی روزمره خود با جدیت و پیگیری کامل در نظر دارد و با انحرافات از حل اصولی مسئله ملی مبارزه کرده است و خواهد کرد.

با این آدرس با رادیو بیگ ایران، ماهنامه مردم، مجله دنیا، مجله مسائل بین المللی و مجله پیکار مکاتبه کنید!

P. B. 49034
10028 Stockholm 49
Sweden

نکات گرهی در باره مسئله ملی در ایران

و حل آن از نظر حزب توده ایران

(مصوب هیئت اجرایی کمیته مرکزی حزب توده ایران)

۱ - مسئله ملی در کشور ما در دو سطح مطرح میشود: یکبار از جهت مبارزه همه مردم ایران علیه ستم و غارتگری امپریالیسم، در راه تأمین استقلال واقعی کشور. از همین جهت است که میگوئیم انقلاب ایران در مرحله ملی و دموکراتیک است. و یکبار از جهت مبارزه ملل و اقوام ساکن سرزمین ایران که از حقوق ملی محرومند و علیه ستم ملی، بخاطر تأمین حق تعیین سرنوشت خویش مبارزه میکنند. ما بین این دو جهت مسئله ملی در کشور ما پیوند درونی وجود دارد. در سند حاضر مسئله ملی از جهت دوم، از جهت داخلی مطرح است.

۲ - ایران کشوری است کثیر الملّه که در آن ملتها و اقوام گوناگونی زندگی میکنند مانند: فارسها (☉)، آذربایجانیها، کردها، بلوچها، ترکمنها، عربها. در نواحی مختلف ایران، در داخل واحد های ملی دیگر، اقوام و عشایر ترک زبان و کرد زبانی بسر میبرند که دارای سرزمین، زبان و آداب و رسوم خود میباشند. بعلاوه اقلیتهای ملی دیگری وجود دارند که در سراسر کشور پراکنده اند مانند: ارمنیها، آسوریها، یهودیها.

۳ - درجه «قوم ملی» در نزد واحد های ملی ساکن ایران یکسان نیست بدین معنی که نضج علامات چهارگانه ای که وجود آنها برای تشکیل «ملت» ضرور است، (یعنی اشتراک سرزمین، اشتراک زبان، اشتراک فرهنگ، اشتراک مناسبات اقتصادی) در نزد همه این واحد های ملی در سطح همانند قرار ندارد. در کنار فارسها، آذربایجانیها و کردها مراحل تکاملی بیشتری را از جهت این قوام گذرانده اند. در بین واحد های ملی ساکن سرزمین ما آگاهی ملی و مطالبه حقوق ملی ذر حال رشد است و مسئله ملی بیش از پیش حدت مییابد و حل آن بیش از پیش بیکی از وظائف مبرم اجتماعی بدل میگردد. در کشور ما بجز فارسها، بقیه واحد های ملی از حق اداره امور اجتماعی، اقتصادی، اداری و فرهنگی خویش محرومند یعنی در معرض ستم و تبعیض ملی قرار دارند. ستم ملی در میان ملل و اقوام ساکن سرزمین ایران تخم دشمنی، سوء ظن و عدم اعتماد می افشاند و مانع همبستگی واحد های ملی ساکن کشور ما در یک اتحاد داوطلبانه و برادرانه است.

۴ - در کنار این واقعیت انکار ناپذیر که اعمال ستم ملی از طرف هیئت حاکمه موجب تفرقه معنوی ملل و اقوام ساکن ایران است، واقعیت دیگری نیز هست که در حل مسئله ملی باید مورد توجه قرار گیرد: رشته های مختلفی واحد های ملی ساکن ایران را در گذشته و حال بهم پیوند میدهد. این واحد های ملی طی قرنهای متعددی با یکدیگر سرنوشت مشترکی داشته اند و در ابداع و ایجاد فرهنگ غنی و برآزنده ایران با هم همکاری کرده اند و در راه استقلال و آزادی میهن مشترک خویش ایران در ادوار مختلف تاریخ متحداً و دوشا دوش یکدیگر فداکاریهای بیشمار نموده اند. از درون این مبارزات اجتماعی و تلاشهای فرهنگی چهره های برجسته ای که دارای اهمیت جهانی هستند برخاسته اند که متعلق بهم خلیقهای ایرانند. منافع اساسی خلیقهای ایران علیه امپریالیسم و ارتجاع باهم درمیآمیزد و همه خلیقهای ایران بنحو یکسان مورد ستم امپریالیستی و اعمال آن قرار دارند. لذا در طرح و حل مسئله ملی در ایران باید هر دو واقعیت را در نظر گرفت: یعنی هم این واقعیت را که در ایران ملل و اقوام و اقلیتهای ملی مختلفی دچار ستم و محرومیت ملی میباشند و هم این واقعیت را که پیوند عمیق تاریخی، فرهنگی و منافع مشترک عمده و اساسی سیاسی و اجتماعی ما بین خلیقهای ساکن سرزمین کشور ما وجود دارد.

۵ - حزب توده ایران طرفدار برابری کامل حقوق کلیه اقوام و ملل و اقلیتهای ملی ساکن سرزمین ایران و اتحاد داوطلبانه آنها در چارچوب میهن واحد و بر پایه حفظ تمامیت ارضی کشور ایران است. ریشه کن کردن ستم ملی شرط اساسی و مقدم تأمین این هدف است. راه نیل بدین مقصود تأمین خود مختاری اقوام و ملل محروم ایران است. بدین منظور باید تقسیمات کشوری بر پایه ملی قرار گیرد. در واحد های ملی، شورای استان، شهرستان و بخش بصورت ارگانهای اعمال خود

۶ - تضادهای اصلی جامعه معاصر ایران عبارتست از تضاد همه خلیقهای کشور ما با امپریالیسم و اعمال آن و تضاد همه این خلیقها با سرمایه داران و زمینداران بزرگ. تضاد ملی با آنکه از تضادهای مهم جامعه ماست، ولی جزو تضادهای اصلی نیست. از اینجا این نتیجه حاصل میشود که وظیفه مقدم همه زحمتکشان ایران در درجه اول توحید مساعی برای مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع، و برای نیل به استقلال و دموکراسی است. یکی از شرایط اساسی تأمین موفقیت در مبارزه با امپریالیسم و ارتجاع، وحدت رهبری و سازمانی کلیه سازمانهای طبقه کارگر در مقیاس سراسری کشور، داشتن برنامه و اساسنامه واحد، مشی استراتژیک و تاکتیک واحد است. تا وحدت اراده و عمل حزب طبقه کارگر در سراسر کشور تأمین گردد. خواست ایجاد سازمانهای جداگانه حزب طبقه کارگر بر پایه ملی یک خواست ناسیونالیستی است که به تفرقه طبقه کارگر ایران و نتیجتاً به تضعیف وی در قبال دشمنان مشترک و در امر اعمال رهبری این طبقه در مجموعه جنبش منجر میشود. تضاد ملی و مسئله ملی را فقط در چارچوب حل تضاد های اصلی جامعه میتوان بدرستی و با پیگیری حل کرد. حزب توده ایران از هر گونه مبارزه و مطالبه ملی که در این چارچوب باشد پشتیبانی خواهد کرد و خود بنوبه خود این مطالبه عمومی دموکراتیک را در برنامه خویش مطرح کرده و برای آن مبارزه میکند.

۷ - همانطور که مطلق کردن تضاد ملی و جدا کردن آن از تضاد های اصلی جامعه منجر به انحراف ملت گرائی و گوشه گیری ملی میشود، انکار مسئله ملی و مسکوت گذاردن آن موجب بروز انحراف جدی دیگر است. که از شوینیسم ملت بزرگ ناشی است. یکی از مظاهر ایدئولوژیک شوینیسم ملت بزرگ در کشور ما پان ایرانیسم است که وجود واحد های ملی مختلف را در ایران انکار میکند و ستم ملی را تحت عنوان «وحدت ملی» توجیه مینماید. حزب ما ایران را وطن مشترک کلیه اقوام و ملل و اقلیتهای ملی ساکن ایران میدانند و از این جهت همه آنها را ایرانی میشمرد، ولی ساکنان ایران چنانکه گفته شد از واحد های ملی مختلف تشکیل یافته اند. حزب توده ایران هر دو انحراف ناسیونالیسم ملت کوچک و شوینیسم ملت بزرگ و ایدئولوژیها و سیاستهای ناشی از آنها رد میکند و با آنها مبارزه کرده است و خواهد کرد. حزب طبقه کارگر تنها زمانی میتواند اعتماد کامل خلیقهای محروم کشور ما را بسوی خود جلب کند که خود را در فکر و عمل نه تنها مدافع پیگیر منافع طبقاتی آنها، بلکه همچنین مدافع منافع ملی آنها نشان دهد، چنانکه در تاریخ فعالیت خود پیوسته چنین کرده است.

۸ - سند حاضر که بنا به توصیه پلنوم چهاردهم کمیته مرکزی حزب توده ایران تنظیم شده است مبادی اصولی و علمی سیاست حزب را در مسئله ملی روشن میکند. این سند باید محور مشترک قضاوت کلیه رفقای حزبی و هواداران حزب ما در مسئله ملی قرار گیرد و به امر تقاضای بین زحمتکشان همه واحد های ساکن کشور ما کمک کند. داشتن استنباط صحیح در مسئله ملی شرط پیگیری بودن در دموکراسی است. حزب ما به بغرنجی مسئله ملی که دارای ریشه های عمیق تاریخی و اجتماعی است کاملاً توجه دارد و با انطباق اصول مارکسیسم - لنینیسم بر شرایط کشور، سیاست خود را بر پایه تأمین وحدت و اعتماد متقابل ملل و اقوام و اقلیتهای ملی ساکن ایران مبتنی ساخته است.

هیئت اجرایی کمیته مرکزی حزب توده ایران

۳ خرداد ۱۳۵۲

☉ اصطلاح «فارسها» یک اصطلاح قرار دادی است که متداول شده است و مقصود از آن عبارتست از کلیه ساکنین ایران بغیر از آذربایجانیها، کردها، بلوچها و عربها.